

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دعوت به سوی الله سبحانه و تعالی با حکمت و موعظهٔ حسنه!

(ترجمه)

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۚ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ۚ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾

[نحل 125-128]

**ترجمه:** (ای پیامبر!) مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزه‌های نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان به شیوهٔ هرچه نیکوتر و بهتر گفتگو کن؛ چرا که (بر تو تبلیغ رسالت الهی با سخنان حکیمانه و مستدلانه و آگاهانه و به گونهٔ بس زیبا و گیرا و پیدا است و بر ما هدایت و ضلال و حساب و کتاب و سزا و جزا است) بی‌گمان پروردگارت آگاه‌تر (از همگان) به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می‌شوند و یا این که رهنمود و راهیاب می‌گردند. (ای مسلمانان!) هرگاه خواستید مجازات کنید (کسانی را که به حقوق شما تعدی و تجاوز کرده‌اند)، تنها بدان اندازه مجازات کنید و کیفر دهید که درباره شما روا شده است (و از حد آن فراتر نروید و برمگذرید) و اگر شکیبائی پیشه ساختید (و به خاطر الله مجازات نکردید و کیفر ندادید) حتماً شکیبائی برای شکیبایان (حق پرستی چون شما که از دل فرمان نمی‌برید و به راهنمایی یزدان گوش فرا می‌دارید، در دنیا و آخرت) بهتر خواهد بود. و (ای پیامبر!) تو نیز در برابر مصائب و صحنه‌های جانسوزی که در راه تبلیغ رسالت آسمانی خواهی دید (شکیبائی کن و شکیبائی تو) (و هرکس دیگری) جز در پرتو (لطف رحمان و به یاری و) توفیق یزدان میسر نیست (اگر کافران ایمان نیاوردند) بر آنان اندوهگین مشو و در برابر مکر و نیرنگی که می‌ورزند (و توطئه‌هایی که به راه می‌اندازند) ناراحت و نگران مباش (و خویشتن را در پناه الله دار!) بی‌گمان الله (مرحمت و معونت و حفاظت و رعایت همه جانبه‌اش) همراه کسانی است که تقوی پیشه کنند (با دوری از نواهی، خود را از خشم الله به دور دارند و با تمام نیرو و قدرت) با کسانی است که نیکوکار باشند (و با انجام اوامر الهی خویشتن را به الطاف ایزد نزدیک سازند).

صیغهٔ ادع بر سه محور تمرکز دارد: دعوت گر، دعوت و اسلوب دعوت و این‌ها لازم و ملزوم یک‌دیگر اند؛ به این معنی که دعوت‌گر باید دارای این صفات باشد تا امید به قبولی طاعت داشته باشد. پس دعوت در راه الله سبحانه و تعالی در حقیقت دعوت به کلمهٔ طیبه، دعوت به ایمان داشتن به عقیدهٔ اسلامی، دعوت به ایمان آوردن به الله سبحانه و تعالی، ملائکه، کتاب‌ها، پیامبران و این که خیر و شر قضا از طرف الله سبحانه و تعالی است و دعوت به سوی عمل کردن به آنچه که از این ایمان داشتن مرتب می‌شود، است که عبارت از سرگیری زنده گی اسلامی توسط تأسیس دولت اسلامی است. چنانچه رسول الله صل الله علیه وسلم در مدینهٔ منوره تأسیس نمود و اسلام را تطبیق کرد؛ احکام شریعت اسلامی را تنفیذ و منافع مردم را سرپرستی نمود و عدالت و انصاف را در بین‌شان حاکم کرد.

دولت اسلامی به جهان رسید و امروزه تعداد مسلمانان به 1.8 میلیارد، نزدیک به چهارم ساکنان زمین رسیده است و سرزمین‌شان

به سه قاره مشهور جهان امتداد پیدا کرده است. مسلمانان به همه جهان پخش شده اند و آنچه که امروزه مسلمانان کم دارند، دولت اسلامی است؛ دولتی که اسلام را چنانچه که رسول الله صلی الله علیه وسلم تطبیق نمود، تطبیق نماید و تمامی مسلمانان زیر سلطه آن سرپرستی شوند. از آن‌ها و سرزمین‌های‌شان محافظت نموده، مصالح‌شان را سرپرستی و اسلام را در همه زمین نشر نمایند. مسلمانان از پس زنده‌گی زیر چتر احکام شریعت اسلامی بر آیند و اسلام به گونه زنده به زنده‌گی مسلمانان برگردد... این حیثیت دعوت به گونه خلاصه بود.

اما به نظر می‌رسد که امروزه دعوت به نصاب درست‌اش حرکت نمی‌کند و برخی دعوت‌گران در سرزمین‌های کلیدی اسلامی بر روشی از دعوت تمرکز دارند که فقط منافع خود و حکام‌شان را برآورده می‌نمایند و از خود دعوت غافل هستند؛ چون آن‌ها فرصت توجه به این کار را ندارند؛ زیرا در دولت‌های‌شان اسلام تطبیق نمی‌گردد؛ بلکه نظام سرمایه‌داری حاکم است؛ نظام‌های ستمگر و مستبد.

اما بر دعوت‌گر در نخست لازم است که دانا و زیرک به آنچه باشد که به طرف‌اش فرامی‌خواند و به آن عامل باشد؛ به این معنی که حرف‌اش به عمل‌اش مخالفت نداشته باشد؛ اگر یک شخصیت است یا دولت، باید به اساس عقیده اسلامی بناء گردد و اسلام را در سیاست داخلی و خارجی اجراء کند.

دعوت به طرف الله سبحانه و تعالی به شخص دعوت‌گر، قومیت، سرزمین و غیره نیست؛ بلکه تنها به خاطر الله سبحانه و تعالی، دین اسلام و پیامبر صلی الله علیه و سلم است. دعوت‌گر مسئولیت‌اش را نزد الله سبحانه و تعالی اداء نموده و به طرف دین الله سبحانه و تعالی فرامی‌خواند و هیچ حق یا برتری ندارد که مزد را در دنیا بخاطرش کسب نماید؛ مانند گرفتن حاکمیت برای خود و خانواده‌اش و یا کدام امتیاز دیگری؛ بلکه مزد آن تنها در نزد الله سبحانه و تعالی می‌باشد.

اسلوب دعوت باحکمت و موعظه حسنه از طریق سخن نیک و شناخت وضعیت مخاطبین می‌باشد تا درست به سخنش گوش دهند و به آن‌ها از طریق خطاب صادق و سخن نرم، که بیانگر حسن نیت و قصد رسیدن به حق وجود دارد، اعتماد نمایند. دعوت‌گر به نکوهش، زجر و اظهار عیوب دیگران روی نمی‌آورد و مناقشه‌اش به آرامی، بدون حمله و حقیر شمردن و یا روی آوردن به خشم و فریاد صورت می‌گیرد؛ چون هدف رهنمائی به طرف الله سبحانه و تعالی، برآوردن طاعت و عبادت است و هیچ ضرورتی به لجاجت و شدت دلایل نیست؛ باید بیان نیک، اخلاص در عمل بخاطر الله سبحانه و تعالی و رسیدن به حق باشد.

اگر بر شما تجاوز صورت گرفت، پس شما هم مانندی که مورد تجاوز قرار گرفته اید، به آن برخورد کنید و این فورمول قصاص به مثل بدون اسراف است؛ اما با وجود قصاص به مثل، قرآن به طرف صبر و بخشش فرامی‌خواند. صبر و بخشش گاهی تأثیر عمیق‌تری در نزد طرف مقابل دارد و به اسلام داخل می‌شود؛ اما در صورتی که بر کفر خود پا فشاری کند، شکنجه کردن آن بدون هیچ توجه باید صورت گیرد و شکنجه تنها وظیفه دولت اسلامی است.

دعوت‌گر نیاز به صبر دارد تا دعوت‌اش به هدف خود برسد و الله سبحانه و تعالی به صبر یاری می‌نماید و صبر و ضبط نفس نیز لبیک گفتن به دعوت الله سبحانه و تعالی می‌باشد:

﴿وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ﴾

**ترجمه:** و اگر شکیبایی پیشه ساختید (و به خاطر الله مجازات نکریدید و کیفر ندادید)، حتماً شکیبایی برای شکیبایان (حق‌پرستی

چون شما که از دل فرمان نمی‌برید و به راهنمائی یزدان گوش فرامی‌دارید، در دنیا و آخرت) بهتر خواهد بود.

﴿وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾

ترجمه: (ای پیامبر! تو نیز در برابر مصائب و صحنه‌های جان‌سوزی که در راه تبلیغ رسالت آسمانی خواهی دید) شکیبائی کن و شکیبائی تو (و هرکس دیگری) جز در پرتو (لطف رحمان و به یاری و) توفیق یزدان میسر نیست.  
الله سبحانه و تعالی بر کارش چیره است؛ اما اکثر مردم نمی‌دانند.

برگرفته از مجله‌ الوعی

نویسنده: ابراهیم سلامت

03 جمادی الثانی 1440 هـ.ق

10 دسمبر 2018 م